

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میرویس ودان محمودی

۰۹ فبروری ۲۰۱۵

فرمانبرداران ارتجاع و امپریالیسم در صدد انقیاد و تجزیه افغانستان کهن

۱

صدای پای انقلاب می آید ، مردم باید بپاخیزند!

"قدرت سیاسی از لوله تفنگ بیرون می آید"

بدون در هم شکستن قدرت طبقات حاکم ارتجاعی از طریق جنگ مسلحانه، افغان و افغانستان برای مدت های مدیدی در اسارت آنان باقی خواهند ماند. اگر مردم و در پیشاپیش آنان، نیروهای انقلابی دست به اسلحه نزنند، شاهد جنگ های خونین ملیتی، انقراض و تجزیه افغانستان خواهند بود که هرگز چنین مباد!

"کلیه مرتجعین بیر کاغذی هستند. مرتجعین به ظاهر ترسناک می آیند ولی در واقع چندان نیرومند نیستند. در بررسی مسائل از دید وسیع و طولانی ملاحظه می شود که نیروی عظیم واقعی را خلق صاحب است، نه مرتجعین".

"برای آنکه دیگر تفنگی در کار نباشد، اول باید تفنگ در دست گرفت".

"تجربه مبارزه طبقاتی در عصر امپریالیسم نشان می دهد که طبقه کارگر و توده های زحمتکش تنها با قدرت تفنگ می توانند زمینداران و بورژوازی مسلح را شکست دهند. به این مفهوم می توان گفت که دنیا را تنها با تفنگ می توان دگرگون کرد".

با تأسف فراوان بعد از تجاوز سوسیال امپریالیسم شوروی و حاکمیت خونین جلادان و وطن فروشان خلقی، خادی و پرچمی و بعداً رویکار آمدن وطن فروشان و جلادان طالبی و جهادی، تجاوز امپریالیسم جهانی و در رأس آنان امپریالیسم جنایتگستر امریکا و به وجود آوردن دولت پوشالی «کرزی» و شرکای جرمش و ائتلاف مافیائی ع-غ، مداخلات و تاخت و تاز های کشور های همسایه در امورات داخلی کشور مان اعم از نظامی، سیاسی و فرهنگی بیشتر از پیش افزایش و گسترش یافت و افغانستان در خون تپیده؛ میدان رقابت ها فی ما بین بلوک امپریالیستی و بلوک ارتجاع مذهبی گردید. کشور های همسایه و امپریالیستی، در جهت حفظ منافع و تحقق اهداف ارتجاعی و استعماری شان، در تبنانی و هم چنان در رقابت با همدیگر، نمایندگان بورژوازی کمپرادور حتا نمایندگان خرده بورژوازی را همراه با طبقات ستمگر، خاین و وطن فروش ملیت های ساکن کشور، به خدمت و نوکری گماردند و توسط آنان تخم نفاق و کدورت را مابین ملیت های با هم برادر (افغان) بذر نمودند و حالا بخوبی و در کمال راحتی

می دروند و از حاصلش استفاده می نمایند. در پهلوی طبقات نامبرده، بعضی از روشنفکران نیز صید دام صیادان ارتجاعی و امپریالیستی شدند و امروز در رقابت بین همدیگر نه تنها بر آتش مسائل سمتی و زبانی هیزم خشک می ریزند بل آرزوی تجزیه افغانستان را به دل می پروراند. عده ای نیز تحت عناوین «مائوئیست» ها که در اصل خادیسست ها و اعضای باند منفور، وطنفروش و رویزیونیستی «حزب دموکراتیک خلق» می باشند، خویش را نمایندگان طبقه ای به نام «افغانستانی» معرفی می دارند و اما در کمال حماقت، شعار جامعه بدون طبقه را سر می دهند. این سینه چاکان و مبلغان، «افغانستانی» از یکسو از طبقه حاکم ملیت خاصی نمایندگی و پشتیبانی کرده و خواهان نابودی خلق های پشتون و تجزیه افغانستان می باشند و از جانب دیگر مدعی میراث خواران اصلی (جریان دموکراسی نوین افغانستان- شعله جاوید) نیز می باشند. عوامل ارتجاع و امپریالیسم زیر نقاب «مائوئیست»، سه هدف مشخص را دنبال می کنند:

الف- تجزیه افغانستان

ب- بد نام سازی (جریان دموکراسی نوین افغانستان- شعله جاوید)

ث- کشتار جمعی خلق های پشتون

در پهلوی «خراسانی» های سمتی، کلکانی، شورای نظاری، روشنفکران مرتد و سکتاریست و متحدان خادیسست «مائوئیست»، «افغانستانی» شان، حالا خادیسست های کشتمندی و سگان وحدتی، از طریق بیت الخلای «کابل پرس»، تحت عنوان «استقلال طلبان هزاره»، علیه افغان و افغانستان چنگ و دندان نشان می دهند، می جفند و آهنگ تجزیه افغانستان کهن را می سرایند!

دشمنان سوگند خورده داخلی افغان و افغانستان که فرمانبرداران ارتجاع و امپریالیسم و محافظان و مدافعان منافع ارتجاع و استعمار اند، بنابر دستورات بادران خارجی شان، قصد تجزیه افغانستان تاریخی و قهرمان را دارند تا با این توطئه خاینانه شان عقده کشی کنند و کشور کهنسالی را با تمدن غنی، پویا و باستانی اش به انقیاد بکشند و سرو تناور افغانستان را با تبر خشم بزنند و از بیخ و بن خشک سازند. این شرفباختگان بی مروت، نمک حرام، وطنفروش و عوامل و جاسوسان ارتجاع منطقه، فرمانطقه و امپریالیسم جهانی نمی دانند که، هیچ قدرت مادی در جهان هستی وجود ندارد که آمویت عقابان بلند پرواز و بیشه شیران را تجزیه نماید.

"قدرت خلق، فقط نیروی خلق است که صفحات تاریخ را رقم می زند".

افغانستان کهن و باستانی، این خطه دلیران و آزادگان در درازنای تاریخ پر عظمت و حماسی اش مورد تجاوز جهانگشایان نامور و قلدر زمانه قرار گرفته است و فرزندان خلقتش نیز با جانثاری و نثار خون، از عزت و حرمت مادر وطن به دفاع برخاسته اند. مردمان بومی این سرزمین مرد خیز و مرد افکن، از زمان پیدایش کشور زیبا و محبوب شان تا عصر سنگ بالاخص هفتاد هزار سال قبل از آمدن آریایی ها و بعد از آمدن و مسکن گزیدن آریایی ها بدینسو، از هستی و استقلال وطن شان دلیرانه و سرسختانه دفاع کرده و دشمنان مختلفی را به زانو در آورده اند. هر آنکه، هر طبقه ای و یا هر اقلیت و یا اکثریتی که، آرزوی زوال و فروپاشی میهن آفتاب تابان و قلمرو اسطوره ها را در سر می پروراند؛ بدانند که شرایط زوال، نابودی و بربادی خود شان را مهیاء و فراهم می سازند. اگر حرف هایم را نشانه ای از احساسات تلقی می دارند، لطف کنند سری به تاریخ بزنند تا حقایق را در یابند.

اگر (وحدت ملی) خدشه دار گردد و از هم بپاشد، امنیت ملی مادروطن نیز به مخاطره می افتد و باعث ایجاد نا امنی و بی ثباتی در داخل قلمرو کشور و مرز های پدیری می شود. دشمنان خارجی برای تشنج افکار و تحقق اهداف

پلید شان در کشور ما، طبقات و طنفروش، ستمگر و ظالم ملیت های مختلف کشور را استخدام کرده اند. این نسل ناخلف ، خود فروخته، عامل امپریالیسم و ارتجاع با همپالگان جنایتکار شان، از مجاری مختلفی، شدیداً مشغول پاشیدن تخم نفاق و استخوان شکنی، تبلیغ مسائل سمتی و قومی و افغان ستیزی و در مجموع پشتون ستیزی، برای تحقق پذیری آرمان و پلان های ارتجاع و سرمایه می باشند تا از این طریق و شیوه ناجوانمردانه ، شیرازه دوستی ها و وحدت بین ملیت ها را تیره ساخته و فرو بپاشند. اگر ما یک ملت متحد و بیدار باشیم و اشتباه نکنیم، دشمنان داخلی و خارجی ما به هیچ وجه قادر نمی شوند که کاری را خلاف منافع ملی و میهنی و وحدت خلق های حرمان کشیده مان انجام دهند. پس ، اشتباه و غفلت و کوتاهی ما یقیناً یک جزء مهم و عنصر اساسی در موفقیت دشمنان رنگارنگ می باشد.

افغان های متعهد متعلق به هر ملیتی می باشند، باید بدون چون و چرا و بدون اندکترین نوع شک و شبهه، متحد شوند ، سلاح رزم بر دوش کشند و دشمنان قسم خورده (وحدت ملی) ما را که همانا دشمنان اصلی افغان و افغانستان می باشند؛ مسلحانه نابود سازند زیرا در موجودیت ، بقاء و هستی این میکروب های مزمن، افغان و افغانستان روی آزادی، سعادت و آرامش را هرگز نمی بینند.

دشمنان داخلی نمک حرام و فروخته شده باید بدانند که افغانستان قرن ها است که در قلب آسیا می تپد و نفس می کشد و همچو ستاره تابناک می درخشد و از هستی ، استقلال و عزتش دفاع کرده است و این بار نیز از آزمون زمانه موفقانه بدر خواهد آمد.

"وظیفه مرکزی و عالیترین شکل انقلاب عبارتست از کسب قدرت به وسیله نیروهای مسلح، یعنی حل مسأله از طریق جنگ"

باید تفنگ در دست گرفت و انقلاب کرد. حل مسأله افغانستان تنها و تنها از طریق جنگ مسیر است زیرا نیروهای ارتجاعی که تشکیل دهندگان اصلی دولت و حکومت دستنشانده می باشند تا به دندان مسلح اند. نابودی محتوم طبقات حاکم و ستمگر، سکتاریست و تجزیه طلب، آدمکش و طنفروش که توسط ارتجاع منطقه، فرا منطقه و امپریالیسم جنایتگستر تحمیل شده اند؛ تنها با نبرد طولانی سراسری مسلحانه ممکن است و دیگر بدیل منطقی و انقلابی وجود ندارد.

اگر خلقهای در بند افغانستان، از قدرت لایزال شان به شکل قهری و مسلحانه استفاده نمایند، خران وحشی بارکش ارتجاع و استعمار قادر بدان نخواهند بود که در مقابل طوفان خشم خلق، تاب مقاومت بیاورند .

تنها توسط انقلاب مسلحانه، برقراری و ایجاد حاکمیت دیکتاتوری دموکراتیک خلق در کشور، می توان دشمنان رنگا رنگ را نابود ساخت ، وطنداران را از شر مظالم ارتجاع و سرمایه نجات بخشید و رستگار ساخت و افغانستان قهرمان را از چنگال اژدهای استعمار و کوسه های زرد ارتجاع رهانید.

به پیش به سوی سرنوینی مسلحانه و قهری دولت و حکومت وابسته به ارتجاع منطقه، ارتجاع فرا منطقه و امپریالیسم جهانی و متحدان سکتاریست و تجزیه طلب ، آدمکش و طنفروش شان!

ملیت های شریف ساکن افغانستان ، باید متحد شوند و با مشت های پولادین و سلاح آتشین شان، جمجمه های دشمنان داخلی و خارجی را بشکنند، سینه های شان را بدرند و در مرداب تاریخ دفن سازند.

مرگ و نفرین بردشمنان (وحدت ملی) افغانستان !